

## مداخلات طبقه قدرت و تأثیر آن در ساختار شهر اصفهان در دوره شاه عباس صفوی

سمر حقیقی بروجنی\*

سیدعباس یزدانفر\*\*، مصطفی بهزادفر\*\*\*

### چکیده

تحلیل تاریخی شهرها مبین تأثیر قدرت طبقه حاکمه بر ساختار آن‌هاست. اصفهان، پایتخت صفویه، نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این رو، مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه تصمیمات و مداخلات سیاسی شاه عباس صفوی ساختار شهر (Urban Morphology) اصفهان را تحت تأثیر قرار داد؟ پژوهش حاضر تحقیقی تاریخی است به روش توصیفی-تحلیلی که با استفاده از منابع مکتوب دسته اول و دوم صورت گرفته است. بر این اساس، سعی شده است شیوه‌های مداخله حاکمیت قدرت سیاسی بر ساختار شهر اصفهان، از این منظر تحلیل و مشخص شود. به نظر می‌رسد می‌توان این نوع مداخلات را در پنج گروه اصلی طبقه‌بندی کرد: مداخلات تولیدکننده، مداخلات مهارکننده طرح، مداخله از طریق نظارت و سرپرستی مستقیم، از طریق توسعه فضاهای جمعی، و نیز از طریق احداث ابنیه عام‌المنفعه.

**کلیدواژه‌ها:** اصفهان، شاه‌عباس، ساختار شهر، قدرت سیاسی، شیوه‌های مداخله.

---

\* دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران  
haghighi\_samar@iust.ac.ir

\*\* دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت (نویسنده مسئول)  
yazdanfar@iust.ac.ir

\*\*\* استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران  
behzadfar@iust.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۳۱

## ۱. مقدمه

بررسی و تفسیر علمی ساختار و شکل شهرها قدمت و غنای تاریخی بسیار دارد. در هریک از پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، با دیدگاهی متفاوت به آن نگریسته شده است. در این میان، گروهی از پژوهش‌گران شهر را از منظر ساختارهای قدرت بررسی کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که شهر به‌منزله محیطی مصنوع می‌تواند به ابزاری برای دست‌یابی، تحکیم، یا تأکید بر هژمونی سیاسی و اجتماعی گروه قدرت تبدیل شود (Tuan 1977; Giddens 1979; Duncan 1989; King 1976; Gakenheimer 1964; Vale 1992; Dovey 2001).

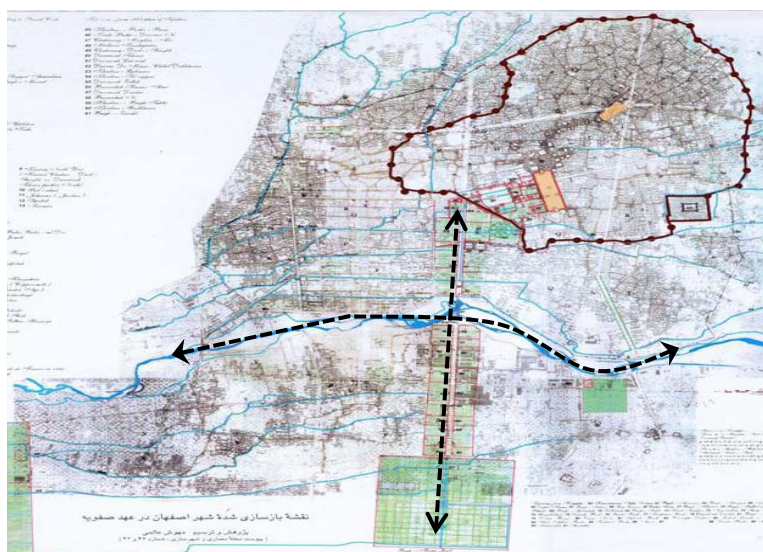
در کتاب مکتب اصفهان نیز از مفهوم «شهر - قدرت» در توصیف شهرهای صفوی استفاده و به این موضوع اشاره شده است که شهرهای این دوران تحت‌تأثیر قدرت این خاندان شکل گرفته و رشد پیدا کرده‌اند (حبیبی و اهری ۱۳۹۱: ۴۷). هم‌چنین گفته شده است که شکل‌گیری دولت قاهر مرکزی و استیلای سیاسی - عقیدتی در عصر صفوی باعث شده است این دولت به شهر چون نماد، تجسم، و تجسد کالبدی - فضایی مفاهیم عقیدتی - سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی بنگرد (حبیبی ۱۳۸۷: ۹۴). هم‌چنین هیدی والچر (Heidi Walcher) به ساختار چهارباغ‌گونه بخش صفوی شهر اصفهان اشاره کرده است<sup>۱</sup> و این موضوع را مطرح می‌کند که برخی از پژوهش‌گران این طرح را از منظر مفاهیم اعتقادی شیعه تحلیل می‌کنند، اما می‌توان آن را بخشی از اندیشه سیاسی شاه‌عباس نیز دانست (1998: 331). از این رو، به‌نظر می‌رسد که گرچه به موضوع تأثیر اندیشه‌های سیاسی صفویه بر شهرهای آن عصر اشاره شده است، طرح این مسئله که سیاست این خاندان چگونه ساختار این شهرها را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند هم‌چنان مغفول باقی مانده است؛ بنابراین، در مقاله حاضر سعی شده است که شیوه‌های تأثیر سیاست‌های شاه‌عباس در ساختار و عملکرد بافت مصنوع شهر اصفهان برای نمونه بررسی شود.

ساختار مقاله حاضر این‌گونه است که ابتدا این شیوه‌های مداخله شرح داده می‌شوند، سپس با ارائه نمونه‌هایی مشابه از همین شیوه‌ها غنا می‌یابند؛ آن‌گاه با استفاده از مدارک و شواهد تاریخی، آن دسته از دستورات، فرامین، و خواسته‌های شاه‌عباس، که به‌طور اساسی ساختار شهر اصفهان را متحول کرده‌اند، تحلیل و بررسی می‌شوند. در نهایت، به‌نظر می‌رسد که گرچه فاکتورهای بسیاری مانند اعتقادات مذهبی، تحولات اجتماعی، مالکیت اراضی، و ... می‌توانند ساختار و عملکرد بافت مصنوع یک شهر را تحت‌تأثیر قرار دهند، درباره اصفهان نمی‌توان اثر بازنمایی قدرت سیاسی صفوی را به‌منزله یکی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار انکار کرد.

## ۲. روش تحقیق

مقاله حاضر با اتخاذ رویکرد تاریخی - تفسیری سعی دارد با انجام مطالعات کتابخانه‌ای در حوزه نقش اندیشه‌های سیاسی طبقه قدرت در ساختار شهرها، این حوزه نسبتاً جدید در مباحث شهری را به دقت بررسی کند. از خلال این مطالعات، دسته‌ای از شیوه‌های مداخله قدرت استخراج شده‌اند که علاوه بر تأثیرگذاری در شهر اصفهان، دولت‌ها و حکومت‌های دیگر نیز با اهداف مشابه، در طول تاریخ از آن‌ها استفاده کرده‌اند؛ از این رو، در این مقاله، سعی شده است تا با اتکا به تفسیر و تحلیل متون، از تاریخ شهرسازی ایران و کشورهای دیگر و نیز با استفاده از روش توصیفی - تفسیری، شکل‌گیری ساختارهای جدید در اصفهان عصر شاه‌عباس تحت تأثیر مبانی قدرت حاکم بررسی شود.

## ۳. بستر تاریخی



شکل ۱. نقشه بازسازی شده شهر اصفهان در عهد صفویه، به دست مهوش عالمی (www.iranboom.ir)

شاه‌عباس صفوی تحت شرایطی بر تخت نشست که توقع حکومتی بلندمدت برای او امری بسیار بعید می‌نمود. در صحنه داخلی، طی دوازده سالی که از مرگ شاه‌طهماسب می‌گذشت، قدرت پادشاه به نحو چشم‌گیری کاهش یافته و اختلافات گسترده‌ای در داخل شکل گرفته بود (ترکمان ۱۳۷۸: ۱۱۰۰). از نظر سیاست خارجی نیز تقریباً سراسر ایالات

غربی و شمال غربی به اشغال عثمانیان درآمده بود و در شرق نیز نیمی از ولایت خراسان مورد تاخت و تاز از بکان قرار گرفته بود (همان). گفت و گو از مباحث عقیدتی دولت صفوی از بحث این مقاله خارج است، اما مهم به تصویر کشیدن مفهوم مشروعیت و اقتداری است که بنا به دلایل گفته شده در زمان شاه عباس توسعه یافت؛ مشروعیت صفویه یا همان درک و شناخت عامه از حق عضو خاندان صفوی در به کارگیری اقتدار سیاسی، تا حد زیادی بر پایه ارتباطات عمومی مؤثر استوار بود (مکچسنی ۱۳۸۶: ۱۱۳)؛ ارتباطات عمومی مؤثر به این معنا بود که حکومت پادشاهی باید تعهدات خود در قبال احترام به آداب و سنن ایران باستان و آداب شیعی در زندگی مردم و شاه را دائماً تصدیق و اثبات می کرد (همان).

شاه عباس پس از تسلط بر امور، به دلایل متعدد، اصفهان را به عنوان پایتخت انتخاب کرد<sup>۲</sup> و در سال های حکومتش، تلاش خود را برای عظمت و شکوه آن به کار بست (شکل ۱). اسکندربیک ترکمان درباره فعالیت های عمرانی شاه و تلاش چشم گیرش در به عظمت رساندن اصفهان نوشته است:

مجمعل اعمار همت والای شاهی ظل اللهی چند سال به ترتیب و تزیین خطه فرح افزای صفاهان پرداختند و آن بلده طیبه را از کثرت عمارات و باغات و منازل مرغوب دلگشا و رواق ها و منظره های بهجت افزا و قیصریه و چهار بازار و مساجد و حمامات و خانای عالی مصر جامع ساخته و الیوم خلد برین داغ بندگیش بر جبین دارد (۱۳۷۸: ۵۴۵).

دلاواله نیز به این موضوع اشاره کرده است:

شاه تا حد امکان حوالی مرزها را از سکنه خالی کرده و آن ها را به مرکز انتقال داده ... تا ابقاء آنان در مملکت تضمین گردد و در عین حال شهر اصفهان بزرگ تر و ثروت مند تر و زیباتر گردد ... و با برپایی ساختمان ها و مخارجی که در آن می کند تمام سعی خود را در راه عظمت آن گذاشته است ... هم اکنون به اندازه ای ساختمان ها زیاد شده و برای کسانی که می خواهند خانه سازی کنند آن قدر تسهیلات ... فراهم می شود که می توان انتظار داشت به زودی ... اصفهان و حومه آن از قسطنطنیه و حتی روم بزرگ تر شود (۱۳۷۰: ۳۶).

هم چنین در روزنامه ملاجلال در توضیح انتقال آب کوهرنگ به اصفهان آمده است: «همگی همت والانهمت نواب کلب آستان علی به آبادانی اصفهان متعلق بود ...» (منجم یزدی ۱۳۶۶: ۲۴۴).

به نظر می‌رسد حجم عظیم ساخت‌وسازها و پدیده مهم شهرسازی را، به‌خصوص درباره اصفهان، می‌توان در چهارچوب موقعیت سیاسی حکومت شاه‌عباس بررسی کرد که ستون‌های مشروعیت و در نتیجه اقتدار صفویه در آن زمان متزلزل شده بود؛ به‌همین دلیل، در ادامه، شیوه‌های مداخله شاه‌عباس، در جایگاه نماد طبقه قدرت، در شکل شهر اصفهان و اهدافی که در پی آن جست‌وجو می‌کرده است، تحلیل و بررسی می‌شوند.

#### ۴. تأثیر طبقه قدرت بر ساختار شهر

در این بخش، سعی شده است گونه‌بندی‌ای از شیوه‌های تأثیرگذاری طبقه قدرت در تغییرات ساختاری و عملکردی شهر اصفهان در عهد شاه‌عباس ارائه شود. در این مداخلات، طبقه حاکمه می‌کوشد تا با استفاده از قدرت، ثروت، و موقعیت خود بر تغییرات عمده‌ای که در شهر صورت می‌گیرد اثرگذار باشد و از آن‌ها برای رسیدن به اهداف سیاسی خود بهره گیرد. هم‌چنین سعی شده است با ارائه نمونه‌هایی دیگر، به فهم بهتر این طبقه‌بندی کمک کرده و بر این موضوع تأکید شود که استفاده از شهرها، در حکم بستر زندگی اجتماعی مردم، با نگاه ابزاری و سودجویانه از سوی طبقه قدرت، سابقه‌ای طولانی دارد.

#### ۱.۴ مداخلات تولیدکننده

این شکل از مداخله هنگامی اتفاق می‌افتد که حکومت دستور انتخاب، برنامه‌ریزی، طراحی، و ساخت پایتختی جدید یا پروژه‌های عظیمی را صادر کند که به‌کل چهره شهری را تغییر دهند؛ منظور از پروژه‌های عظیم پروژه‌هایی چون حصارها و دیوارهای اطراف یک شهر، خیابان‌کشی‌های عظیم، مراکز مذهبی، و نمونه‌هایی مانند این است؛ برای مثال، ناپلئون اول مایل بود پایتختش زیباترین شهر ممکن باشد (موریس ۱۳۸۹: ۲۱۶). او با این امید بازسازی پاریس را آغاز کرد، اما ناپلئون سوم با همکاری هوسمان<sup>۳</sup> (Baron Haussmann) و با ایجاد پروژه‌های عظیم شهری در قرن نوزده میلادی (دوازده شمس)، که همگی برای حفظ و تقویت نظام حاکم شکل گرفته بودند، ساختار پاریس را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار دادند (پاکزاد ۱۳۹۴: ۴۷-۵۳).

در اصفهان عصر صفوی نیز، همان‌طور که اشاره شد، پس از پایتختی این شهر، شاهد تعریف و ساخت تعداد بسیاری از پروژه‌های عظیم شهری هستیم. این پروژه‌ها و ساخت‌وسازهای عظیم و پرشتاب زمینه ایجاد نوشهری در کنار شهر پیشین را فراهم

می آورد؛ به طوری که جنابادی پس از توضیح ساخت و سازهایی که شاه عباس در اصفهان انجام داده است، می نویسد: «الحال اصفهان سابق را شهر کهنه می نامند و این مواضع و منازل را شهر نو» (۱۳۷۸: ۷۶۲). درباره اشتیاق شاه عباس به افزایش شکوه و زیبایی پایتخت می توان به این توضیح فیگوئرا اشاره کرد:

در بخش هایی از این دو مهاجرنشین (شهرک تبریزیان و شهرک ارامنه) ... خانه های بسیار بزرگ وجود دارند که ... آن ها را سکنه ثروت مند شهر و سلطان ها یا وزرا و یا دیگر نوکران شاه با مخارج گزاف، برای خوش خدمتی و درحقیقت خشنودی وی (شاه عباس) ساخته اند و به واقع هم این جا از بهترین امکنه و زیباترین مناطق دنیاست (۱۳۶۳: ۱۲۶).

درحقیقت، شاه عباس سعی کرد با استفاده از زیبایی، رونق، و آبادانی پایتخت جدید خود، تصویری متفاوت از اقتدار حکومت مرکزی در ایران ارائه دهد. این تلاش را می توان از دو جنبه بررسی کرد: نخست آن که اگرچه مشروعیت معطوف به مقوله ای ارزشی و هنجاری و کارآمدی معطوف به مقوله ای ابزاری است، اگر جامعه ای از کارایی حکومت در سطوح گوناگون احساس رضایت کند، بحران مشروعیت به وجود نخواهد آمد (رازی ۱۳۷۴: ۱۸). در چنین شرایطی، نمایش کارایی از طریق تلاش برای آبادان جلوه دادن شهرها، به ویژه پایتخت، می تواند در چهارچوب افزایش مشروعیت و در نتیجه اقتدار حکومت مرکزی بررسی شود؛ مثلاً، جنابادی در وصف فعالیت های عمرانی شاه عباس می نویسد:

سبحان مالک الملکی ... نیکرای پادشاهی (شاه عباس) برانگیزاند و دست اقتدارش قوی گرداند تا به وسیله آثار معتدلش جهانیان در مهاده امن و امان آسوده غنوده و به ذریعه رای گیتی آرای ... مواضع و مسالک از تجدد اوضاع مطبوع و احداث بساطین منزّه و بناهای مرفوع مرغوب ارم ذات العماد، الّتی لم یُخلَقْ مثلها فی البلاد مزین گردد (۱۳۷۸: ۷۵۸).

هم چنین، این گونه تلاش را می توان در قالب علاقه شاه به ارتباط با دیگر دول نیز دنبال کرد. دلاواله می نویسد: «شاه بسیار مشتاق است ... تا حد امکان با تعداد بیش تری از دول غرب رابطه برقرار سازد و با آن ها به تجارت پردازد و به سکونت در خاک ایران تشویقشان کند» (۱۳۷۰: ۱۱۷)؛ در این شرایط پایتختی باشکوه و آبادان می تواند نمایش مناسبی از اقتدار حکومت مرکزی در صحنه بین الملل ارائه دهد. همان طور که ابن خلدون معتقد است: «شهرهای بزرگ و بناهای بلند و باشکوه را پادشاهان بزرگ بنیان می نهند» (۱۳۷۵: ج ۲: ۶۷۸).

## ۲.۴ مداخلات مستقیم در طراحی شهر

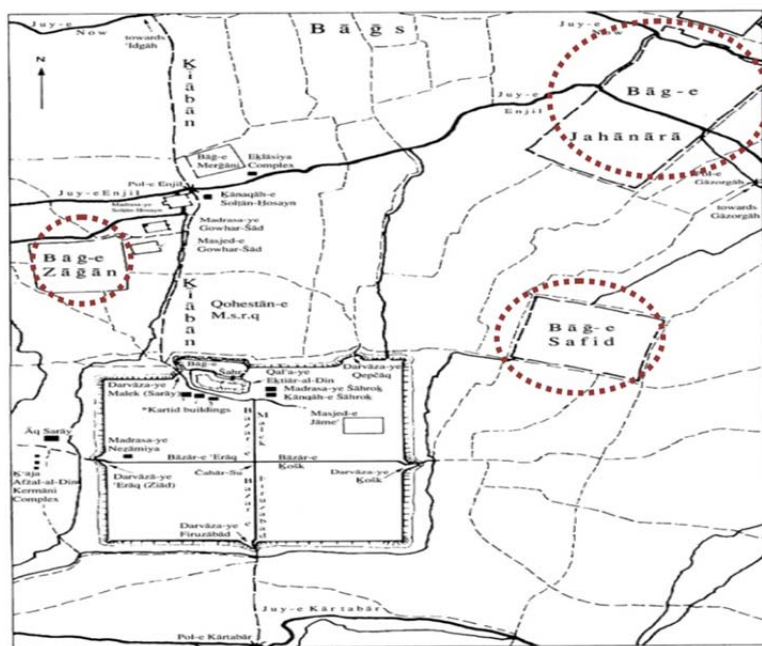


شکل ۲. مسجد لاله‌علی (Laleli) ۱۷۶۰-۱۷۶۴ م. به سبک باروک عثمانی (www.en.wikipedia.org)

این شکل از مداخله در دو حالت صورت می‌گیرد: نخست این که طبقه حاکمه یک یا چند مدل از شهرسازی یا شکل شهرهای ساخته‌شده پیشین را به‌مثابه الگو برای توسعه شهر ارائه می‌دهد. در حالت دوم، حاکم حمایت و پشتیبانی خود را به کار می‌بندد تا فلسفه یا ایده‌آلی را در شکل شهر جامه عمل بپوشاند؛ مثلاً، در قرن هجده میلادی (یازده شمسی) نخستین سفیر ترکیه، محمت چلبی (Mehmet Celebi)، پس از بازگشت از پاریس، در گزارش مکتوب خود به توضیح دقیق برخی از ابنیه شهری پاریس پرداخت (Celik 1986: 29). او با توصیف مبالغه‌آمیز ساختمان‌های آن‌جا خاندان سلطنتی عثمانی را به این فکر واداشت تا با استفاده از هنرمندان خارجی، مجموعه‌ای از بناهای شهری، از جمله قصرها و باغ‌هایی با سبک و سیاق اروپایی بسازند. این بناها چهره شهر استانبول را به کلی دگرگون کرد و سبک جدیدی با عنوان باروک عثمانی را پایه گذاشت (شکل ۲) (ibid.).

برای حالت دوم این مداخلات می‌توان به کشور چین اشاره کرد؛ با به‌حکومت‌رسیدن سلسله سوی (قرن ششم میلادی / یکم قمری)، پس از پنج قرن بی‌ثباتی سیاسی، اسباب اتحاد مجدد چین فراهم شد. این حکومت شهر جدید چانگ‌آن را در فاصله کمی از چانگ‌آن قدیم احداث کرد که پایتخت سلسله هان (۲۰۰ پ.م)، امپراتوری پیشین چین، بود. این پایتخت جدید در نزدیکی چانگ‌آن قدیم و ملهم از مربع بودن طرح اولیه شهر قدیم، تجلی وحدت مجدد چین بود (موریس ۱۳۸۹: ۳۸۸).

در باره اصفهان نیز می‌توان چنین فرضیه‌ای را دنبال کرد. اصفهان در این عصر با باغ‌هایش معنا می‌گیرد؛ به طوری که این باغ‌ها و اهداف اجتماعی و عملکردی‌شان یکی از اجزای اصلی ساختار این شهرند. همین باغ‌ها در توصیف زیبایی‌های اصفهان موجب تشبیه آن به بهشت شده است. به نظر می‌رسد تعبیر بهشتی از اصفهان و باغ‌هایش فقط یک تبادر ذهنی نباشد، بلکه شعرا و نویسندگان آن عصر، برای توصیف زیبایی‌های این شهر و ستایش برتری آن در جایگاه مرکز حکومت یک امپراتوری اسلامی قدرت‌مند، آگاهانه از واژه بهشت و واژگان مترادف با آن مانند خلدبرین<sup>۱</sup> یا باغ ارم<sup>۲</sup> استفاده می‌کردند. تأکید بر تجلی بهشت برین، که در قرآن توصیف شده است، در باغ‌های صفوی تاحدی مدنظر شاهان بود که آن‌ها با انتخاب اسامی مناسب مانند «هشت بهشت»، «باغ ارم»، و «باغ جنت» برای این باغ‌ها هرچه بیش‌تر به این رابطه اشاره می‌کردند. همان‌طور که مطرح شد، شاهان صفوی از این مفهوم استعاری برای برقراری پیوند دائم سرزمین تحت فرمان خود با مهم‌ترین مفاهیم دینی مسلمانان استفاده می‌کردند تا از این طریق پایه‌های مشروعیت دینی خود را مستحکم کنند.



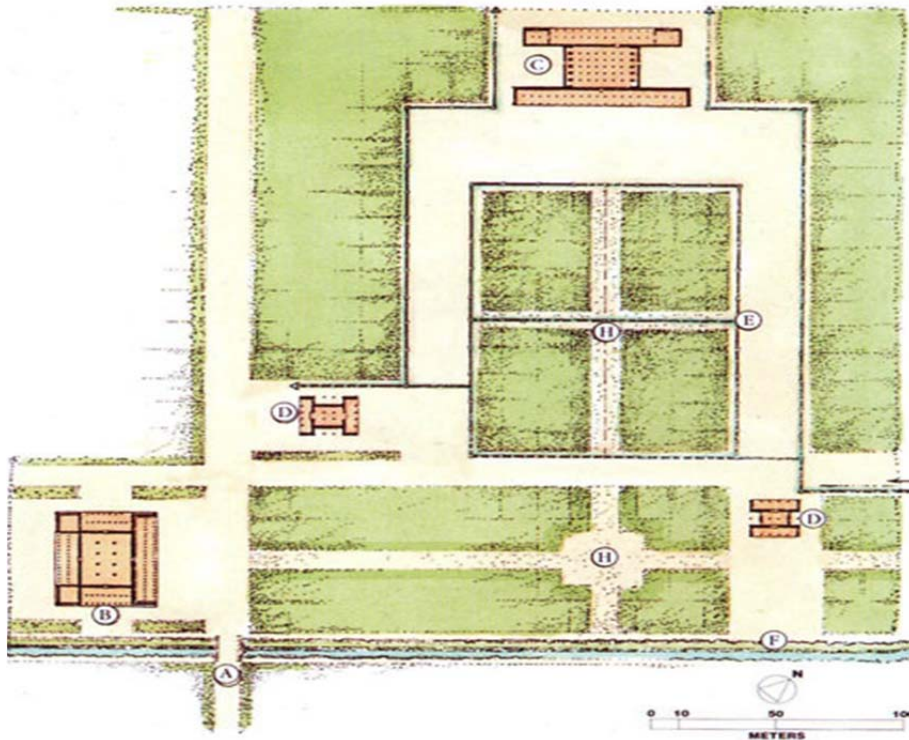
شکل ۳. نقشه شهر هرات در عصر تیموری. باغ‌هایی که در اطراف شهر برای تثبیت قدرت و گسترش قلمرو ساخته شده‌اند (براساس نقشه Allan 1983).



از سویی دیگر، رابطه تاریخی آشکاری بین احداث و توسعه باغ‌های بزرگ و گسترش قلمرو تحت فرمان پادشاهان، به‌ویژه در عهد تیموریان، برقرار بوده است. به‌طوری‌که تیمورشاه<sup>۶</sup> پس از به‌تخت‌رسیدن، با ساخت باغ‌های متعدد در سمرقند و سپس در هرات، نفوذ خود را بر این نواحی افزایش داد (شکل ۳) (Walcher 1998: 339). هم‌چنین ظهیرالدین محمد بابر<sup>۷</sup>، مؤسس سلسله گورکانی در هند، نیز به‌رسم اجدادش، برای افزایش نظارت بر شهرهای به‌تصرف‌درآمده از باغ‌سازی استفاده کرد؛ مثلاً، نخستین اقدام او پس از فتح کابل، احداث مجموعه‌باغی است پلکانی که در خاطرات خود به آن اشاره کرده است (Asher 1991: 48). علاوه بر رابطه تأسیس حکومت‌های جدید و احداث باغ‌های سلطنتی در زمان تیموریان، می‌توان نقش‌های کارکردی فراوان دیگری را برای باغ‌های تیموری برشمرد؛ این باغ‌ها در کنار نقش حیاتی خود، در حکم مبنای فتوحات و پیروزی‌های حکومت، مکانی برای برگزاری مهم‌ترین رویدادهای اجتماعی، ملاقات‌های سیاسی، اقامت شاه، تمرین‌های نظامی، و غلبه نظامی و فرهنگی بر جامعه بوده‌اند (ibid.). به‌نظر می‌رسد چنین پیوند عمیقی بین باغ‌سازی و مفاهیم نظامی و سیاسی در طرح نوسازی اصفهان از جانب شاه‌عباس نیز مورد توجه بوده است؛ به‌طوری‌که برخی از محققان معتقدند که شکل، ساختار، و تاحدی عملکرد باغ‌های دوره تیموریان، که به‌منظور برپایی اردوگاه‌های نظامی و مرکز فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بهره‌برداری می‌شدند، به‌وضوح در باغ‌های صفوی، به‌ویژه میدان نقش‌جهان و در طرح شهر اصفهان تکرار شده است (Wilber 1979: 130).

هم‌چنین بررسی دقیق نقشه شهر اصفهان نشان می‌دهد که در طرح توسعه آن، نوعی الگوی شناخته‌شده و کاربردی در باغ‌های محصور ایرانی با فرم مشخص چهاربخشی درخور بررسی است (شکل ۱). طرح متظاهر و مونومنتال این شهر مبین این مسئله است که شکل‌گیری الگوی چهارباغ در نقشه آن نمی‌تواند مسئله‌ای تصادفی انگاشته شود. یکی از دلایل رد فرضیه تصادفی بودن این طرح یادداشت‌هایی است که به این موضوع اشاره کرده‌اند. برای نمونه، کمپفر در سفرنامه خود می‌نویسد: «خیابان سلطنتی چهارباغ نامش را از این واقعیت گرفته که با تقاطع عرضی‌اش با رودخانه زاینده‌رود ناحیه را به چهار منطقه باغی تقسیم کرده است» (۱۳۶۰: ۱۷۲). اگرچه بر اشاره به طرح چهاربخشی اصفهان در برخی از پژوهش‌های معاصر تأکید شده است (Katuzian 1986; Shirazi 1974)، اغلب استفاده از چنین طرحی را به تلاشی برای ارائه تصویری زمینی از بهشت توصیف‌شده در

قرآن متناسب می‌دانند (Hghighatbin et al. 2012); علاوه بر این دیدگاه (طراحی شهر به شکل باغی بهشتی)، می‌توان این موضوع را نیز مطرح کرد که چهارباغ اصفهان تحت تأثیر رسوم پادشاهان پیشین، هم‌چون کوروش، شکل گرفته است.



شکل ۴. مجموعه پاسارگاد (www.glassy-garden.com)

از آنجایی که یکی از رسالت‌های صفویه از ابتدای ظهورش در ایران خلق هویت ملی‌ای بود که براساس آن علاوه بر مقاومت در برابر نفوذ بیگانگان، یک‌پارچگی این سرزمین نیز حفظ شود، بر بازسازی این هویت ایرانی با استناد بر مذهب مشترک و قومیت مشترک تأکید شده است. از این رو، پادشاهان صفوی، به‌ویژه شاه‌عباس، بقا و استمرار آیین‌های پادشاهی ایران باستان را برای تأکید بر جانشینی آن پادشاهان در دستور کار خود قرار دادند. مثلاً، جشن‌هایی نظیر عید نوروز، گلریزان (دلاواله ۱۳۷۰: ۵۲۱)، و آب‌پاشان (منجم یزدی ۱۳۶۶: ۱۹۲)، که ریشه‌های باستانی دارند، در عهد شاه‌عباس با شکوهی هرچه بیش‌تر برگزار می‌شدند.

از این رو، انتخاب چنین طرحی برای پایتخت می‌تواند نوعی تداوم آیین‌های پادشاهی ایران باستان نیز قلمداد شود، زیرا کوروش کبیر نیز طرح چهارباغ را برای احداث مقر حکومتی خود انتخاب کرده بود (شکل ۴).<sup>۱</sup> کمپفر به این موضوع اشاره می‌کند که اگرچه ممکن است شاه‌عباس در طرح اصفهان کاملاً از طرح چهارباغ کوروش تقلید نکرده باشد، به آن آگاه بوده است. او معتقد است تلاش آگاهانه شاه‌عباس برای این که خود را جانشین برحق و ستودنی کوروش، کسی که طراحی باغ، مراقبت از گیاهان و کاشت درختان را به‌منزله شغلی شاهانه انتخاب کرده بوده است، نشان دهد، بر این موضوع که شخصاً برای طراحی باغ‌های اصفهان اهتمام ورزد، تأثیر داشته است (۱۳۶۰: ۱۹۸).

هم‌چنین می‌توان گفت ارائه طرحی چهاربخشی برای اصفهان و به‌تعبیری دیگر، تقسیم شهر به چهار قسمت مجزا می‌تواند به تاسی از اهمیت مفهوم عدد چهار در فرهنگ ایرانی و اسلامی شکل گرفته باشد. برای مثال چلیپا<sup>۲</sup> در ایران پیشینه‌ای به‌اندازه هزاره پنجم پیش از میلاد دارد و نشانه نیروهای نهفته در طبیعت و آسمان بوده است (قائم ۱۳۸۸: ۳۵). آکرمن (Phyllis Ackerman) معتقد است که نخستین طرح‌های چلیپایی نشان‌گر شروع ایده‌ای است که براساس آن جهان را به چهار بخش تقسیم می‌کنند که این ایده نه‌تنها نظام کیهان‌شناختی ایرانیان را شکل می‌داده، بلکه بر مفاهیم اجتماعی آن‌ها نیز تأثیر می‌گذاشته است (1977: vol 2, 852). بدین شکل، پادشاهی بر چهار گوشه دنیا می‌تواند مفهومی سمبلیک باشد که جاه‌طلبی‌های ارضی شاه‌عباس را در خود نهفته است. انتخاب اسامی‌ای چون «نقش جهان» و «نصف جهان» نیز می‌تواند گواه چشم‌انداز توسعه‌طلبانه و قدرت‌طلبانه شاه‌عباس بر طرح توسعه این شهر باشد.

#### ۳.۴ مداخله از طریق نظارت و سرپرستی مستقیم

در این شکل از مداخله، طبقه حاکمه از حداکثر قدرت خود برای نظارت بر طرح توسعه یک شهر بهره می‌جوید. شخص حاکم بر برنامه‌ریزی‌ها و پیشرفت‌ها نظارت دارد و همواره این مسئله را بررسی می‌کند که آیا این طرح توسعه و رشد در جهت هدف و کیفیت موردنظر او است یا نه. در این حالت، حکومت نحوه دسترسی و چگونگی امکان استفاده مردم عادی از کلیه قسمت‌های شهر را برنامه‌ریزی و تعیین می‌کند. هم‌چنین این‌که چه کسانی مالکیت بخش‌های مشخصی از شهر را به‌دست می‌آورند و چه چیزی، به چه شکلی، و در کجا ساخته می‌شود نیز تحت نظارت مستقیم طبقه حاکمه تعیین می‌شود.



شکل ۵. آدولف هیتلر و اسپیر (دومی از سمت چپ) در حال بررسی ماکتی از یک طرح شهری  
(www.theguardian.com)

درباره هیتلر این ادعا وجود دارد که او بر همه پروژه‌های شهری که در آلمان طراحی و اجرا می‌شد، نظارت دقیق داشت و تئوری‌های بسیاری در زمینه معماری و تأثیر آن در شرایط روحی و روانی شهروندان ارائه داده است (شکل ۵) (Dovey 2002: 56). برای نمونه می‌توان به اظهارات او درباره طرح محور شمالی - جنوبی برلین، که به محل استقرار حکومت رایش منتهی می‌شد، اشاره کرد:

زمانی که یک نفر به دیدن صدراعظم رایش می‌آید باید احساس کند رهبر جهان را ملاقات می‌کند. او پس از عبور از خیابانی پهن که شامل طاق نصرت، پانتئون (سالن گنبددار) و میدان مردم است (عناصری که نفسش را حبس خواهد کرد)، به این محل خواهد رسید (ibid.: 55).

شاه عباس نیز با توجه به فرایند ساخت و ساز در اصفهان و استفاده از اهرم‌های تشویقی مانند فراهم آوردن تسهیلات، اهداف خود را در طرح توسعه اصفهان دنبال می‌کرده است. برای مثال، درباره توجه ویژه شاه به عملیات عمرانی و مالکیت بخش‌های مشخصی از شهر در اصفهان، می‌توان به این گفته اشاره کرد:

زمستان را ... در دولت‌خانه مبارکه نقش جهان گذرانیده ... و ایام بهار عمارات عالی در نقش جهان طرح انداخته معماران و مهندسان در اتمام آن می‌کوشیدند (ترکمان ۱۳۷۸: ۵۴۴). چون خاطر خطیر همایون از عمارات اسواق و دکاکین بر نهج مسطور فراغت یافت ... فرمان مطاعه صادر گردید که در دامن کوهی که به تخت‌رستم مشهور است ... چهارباغی به مقدار هزار جریب احداث نمایند ... پس از آن از عباس آباد ابتدا نموده

مداخلات طبقه قدرت و تأثیر آن در ساختار شهر اصفهان در دوره شاهعباس صفوی ۶۱

خیابانی تا درب دولت طرح انداخته برحسب امر جهان مطاع خوانین و امرا و ... جمله از طرفین خیابان مقابل یکدیگر چهارباغات مرغوب ... احداث فرمودند (جنابادی ۱۳۷۸: ۷۶۰-۷۶۱).

همچنین کمپفر در توضیح باغات اطراف خیابان چهارباغ به این موضوع اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد شاهعباس نه تنها موقعیت دارالسلطنه خود و محور توسعه شهر (چهارباغ) را شخصاً انتخاب کرده است، درباره اندازه و طراحی باغ‌های اطراف چهارباغ، هماهنگ با زمین‌های اطراف نیز تصمیم‌گیری می‌کرده است (۱۳۶۰: ۱۴۸).

درباره استفاده شاه از ابزارهای حمایتی و تشویقی به منظور پیشبرد اهداف عمرانی خود نیز می‌توان به نمونه‌هایی از فراهم آوردن تسهیلات برای خانه‌سازی و آبادکردن بخش‌های جدید شهر (دلواله ۱۳۷۰: ۳۶) و استفاده از ابزار وقف، برای مثال در مغازه‌های اطراف میدان نقش جهان<sup>۱</sup> (مکچسنی ۱۳۸۶: ۱۱۶) اشاره کرد. شاهعباس از این طریق می‌توانسته علاوه بر حصول اطمینان از اجرای دقیق طرح‌هایش در ساختار کلی شهر، ساختمان‌ها را با برنامه‌های اجتماعی‌ای که در نظر داشته است، هماهنگ کند؛ از چیدمان مردم در محلات مناسب با شأن اجتماعی‌شان (مانند محلات تبریزی‌ها، آرامنه، و گبرها) تا تدارک فضاهای عام‌المنفعه و تأسیسات عمومی برای رونق بخشیدن به بخش‌های جدیدالتأسیس (مانند پل الله‌وردیخان و مهمان‌خانه‌های مخصوص دروازش در خیابان چهارباغ) همه می‌توانستند از منافع غیرمستقیم نظارتی دقیق باشند.

#### ۴.۴ مداخله از طریق توسعه فضاهای جمعی

در این شکل از مداخله، حکومت در جهت کسب اقتدار از طریق مشروع‌نشان‌دادن آرمان‌های خود، با هدف استفاده از حضور جمعی و مشروعیت‌بخش مردم در صحنه‌های اجتماعی، دست به توسعه قابل‌ملاحظه فضاهای جمعی می‌زند. دیوید آپتر (David Apter) معتقد است که سیاست درحقیقت نمایشی دراماتیک است که ضرورتاً در فضاهای عمومی روی صحنه خواهد رفت (2006: 221)؛ از این رو، فضاهای جمعی بسترهای مناسبی‌اند که با مقدس‌نشان‌دادن عملی که در آنها به‌وقوع می‌پیوندد، به اقتدار دستگاه حاکمه کمک می‌کنند (ibid.).

برای فضاهای جمعی و آیین‌هایی که در آنها برگزار می‌شوند می‌توان کارکرد سیاسی دیگری را نیز در نظر گرفت. ملت و هویت ملی ساختارهایی اجتماعی‌اند که اغلب به‌شکل

ذاتی وجود ندارند، بلکه به دلیل مسائل سیاسی، فرهنگی، و تاکتیک‌های بومی شکل می‌گیرند (Clifford 1988: 12). نکته مهم در شکل دادن به یک ملت ایجاد رابطه‌ای معنوی بین مردم و مکان است؛ رابطه‌ای خاموش‌ناشدنی بین افراد و سرزمین آن‌ها (Penrose 1993: 29). معمولاً در شرایطی که پیوند بین اعضای جامعه و بین مردم و مکان‌ها بسیار ضعیف و شکننده است و به توجه و مراقبت احتیاج دارد، هویت بخشی بیش از آن که به شکل طبیعی، تدریجی، و درونی صورت گیرد، به شکل دوره‌ای و با کمک نیروهای اجتماعی شکل خواهد گرفت (Jackson and Penrose 1993). برای مثال، شکل‌گیری دولت - ملت‌های مدرن در اروپا نیاز به تقویت هویت ملی را ایجاد کرد، در نتیجه، اختراع سنت‌های جدید نیز برای رفع این مشکل رواج پیدا کرد؛ سنت‌هایی مثل سرود ملی، پرچم ملی، و نظایر این که بتوانند ارزش‌ها و مفاهیم جدیدی را برای ملت تعریف کنند (Hobsbawm 1983: 1).

در شرایطی که هویتی تاریخی یک ملت به دلایل متعدد با خطر مواجه است، اختراع سنت‌ها، جشن‌ها، و آیین‌ها لزومی ندارد، بلکه فقط باید سنت‌ها و آیین‌های فرهنگی خود جوامع احیا شوند (Featherstone 1993: 178). کرتزر (David I. Kertzer) می‌گوید که با مشترکاً گریستن، ادای کلمات یک‌سان و انجام رفتارهای مشابه برای هدفی یک‌سان در خلال برگزاری آیین‌ها، افراد خود را در یک اتحاد و صف‌ناشدنی با یک‌دیگر احساس می‌کنند (1988: 62). بنابراین، توسعه فضاهای جمعی و آیین‌هایی که در آن‌ها برگزار می‌شوند می‌تواند از طریق ایجاد هویت ملی از یک سو و مشروعیت بخشیدن به ایدئولوژی حکومت از سوی دیگر، به یکی از برنامه‌های سیاسی حکومت‌ها تبدیل شود. نمونه‌ای از چنین فضاهایی که در طول تاریخ ساخته شده آلفی تئاتر بزرگ آلبرت اسپیر (Albert Speer) در نورمبرگ، محل سخنرانی‌های هیتلر (Apter 2006: 221) است؛ بنابراین، هیتلر ارزش بسیاری برای معماری اجتماعی (Community Architecture) یا جمعی قائل بود و آن را بستری برای تلاش عمومی در جهت القای روح جمعی بر افراد می‌دانست (Dovey 2002: 57).  
باتوجه به شرایط بحرانی به تخت‌رسیدن شاه‌عباس و نیاز مبرم حکومت به هم‌بستگی مردم و حفظ اتحاد، می‌توان به فضاهای جمعی اصفهان در آن دوران نیز به منزله حوزه توسعه هم‌بستگی مکانیکی توجه نشان داد که نه بر تمایزات، بلکه بر ایدئولوژی برخاسته از تشابهات بین اجزا (تشابهات دینی و ملی) استوار است؛ بدین ترتیب، در عصر صفویه تفاوت‌های طبقاتی و جنسیتی در پرتو تقویت نقاط تشابه در خلال مراسم‌های باشکوه ملی (جشن‌های حکومتی، باستانی، و مذهبی) نادیده گرفته می‌شد و به یکی از راه‌کارهای خلق هویت جمعی و دست‌یابی به هم‌بستگی اجتماعی تبدیل می‌شد.

#### ۵.۴ مداخله از طریق احداث ساختمان‌های عام‌المنفعه

مداخلاتی از این دست زمانی بروز می‌کند که طبقه حاکمه سعی دارد با ایجاد تغییراتی در شهر زمینه ستایش، مشروعیت‌بخشیدن، و در نتیجه جاودانگی خود را فراهم کند. در این شرایط، او از قدرت برای ساخت مجموعه‌های عظیم و اغلب عام‌المنفعه در مقیاس شهری استفاده می‌کند؛ پروژه‌هایی مانند پارک‌ها، میدان‌های شهری، ساختمان‌های دولتی، و... که اغلب در زمان حیات خود حاکم یا پس از مرگ او به نامش ثبت شده و در تاریخ ماندگار می‌شود. درحقیقت، این اعمال با هدف نمایشی از بزرگی، شکوه، خیرخواهی، و در نتیجه جلب ستایش مردم، سیاحان، و تاریخ‌نویسان اتفاق می‌افتد.

حمایت متعصبانه حکومت ممالیک مصر<sup>۱۱</sup> از معماری را می‌توان از این منظر مورد توجه قرار داد؛ آن سلاطین اغلب به ساخت مجموعه‌های بزرگ ساختمانی - اجتماعی و عام‌المنفعه مشغول می‌شدند که دربردارنده مسجد، خانقاه، مدرسه، بیمارستان، مکتب‌خانه، سبیل، آبشخور حیوانات، کاروان‌سرا، و ربه بودند (جونلا و مینک برگ ۱۳۸۸: ۱۴۴-۱۵۵). این پروژه‌ها را می‌توان تأمین‌کننده مشروعیت حکومت ممالیک دانست که همه آن‌ها از طریق منابع وقفی نگهداری و مدیریت می‌شدند. شاهان مملوک با پیشینه غیرعرب، غیرمسلمان، و برده از این طریق می‌توانستند نقش سمبلیک محافظان اسلام سنی و طریقت صوفیان و حمایت‌کنندگان از مردم عادی را به‌خوبی ایفا کنند (Behrens-Abouseif 2007: 116).

اما همان‌طور که گفته شد، شاه‌عباس در شرایطی به سلطنت رسید که افزایش قدرت پادشاه و حکومت مرکزی در حکم اصلی‌ترین هدف در دستور کار دولت قرار گرفت. به دنبال اقدامات شاه‌عباس جایگاه پادشاه، که تضعیف شده بود، به بالاترین مرحله خود رسید؛ به طوری که شاردن درباره شاهان صفوی می‌نویسد: «بی‌هیچ‌گمان در سراسر روی زمین پادشاهی به قدر سلطان ایران بر ملتش تسلط ندارد» (۱۳۷۵: ۱۱۵۱).

شاه‌عباس در تلاش برای احیای اقتدار کاریزماتیک شاه، از یک سو بر مسائل مذهبی و نیابت امام زمان و از سویی دیگر بر فرّ پادشاهی تأکید داشت؛ از این رو، بررسی ساخت‌وسازهای عظیم و عمدتاً عمومی که در دوره شاه‌عباس به وقوع پیوستند می‌تواند در چهارچوب کلی چالش‌هایی که او در آغاز حکومت خود با آن‌ها مواجه بود صورت گیرد. می‌توان گفت پروژه‌های شهری اصفهان درحقیقت برای شخص شاه تجسم مادی دو وجه قدرت بی‌رقیب شاهانه و عدالت، سخاوت، انصاف، و درستی نایب امام زمان بود؛ مثلاً، علاوه بر مساجد و کاروان‌سراهای متعدد، که به‌رایگان به مسافران خدمات‌رسانی می‌کردند (دلواله ۱۳۷۰: ۲۰)، می‌توان به باغ شاهی هزارجریب نیز اشاره کرد که ورود به آن و استفاده از میوه‌هایش برای

عموم آزاد بود (همان: ۴۱)؛ به طوری که دلاواله از سخاوت مندی‌های شاه نسبت به مردمش نتیجه می‌گیرد: «شاه‌عباس برای ملتش نه یک پادشاه خوب که یک پدر دلسوز است» (همان: ۱۷۱).

## ۵. نتیجه‌گیری

در روند ساختار شهرها عوامل مؤثر بسیاری را می‌توان برشمرد؛ از عواملی مانند تغییرات فرهنگی، اجتماعی، تکنیکی، و ... گرفته که با شدت کم‌تری شهرها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند تا عواملی مانند تهاجم کشورهای دیگر، تغییر حکومت‌ها، و ... که با شدت و شتاب بیش‌تری اثر خود را نمایان می‌کنند.

اگرچه به‌نظر می‌رسد درباره تغییرات ساختاری شهر اصفهان در عهد صفوی عوامل اجتماعی، اقتصادی، و ایدئولوژیکی دخیل بودند، نمی‌توان نقش اندیشه‌های سیاسی این خاندان را نیز در شیوه بروز این تغییرات نادیده گرفت. با توجه به آن‌چه گفته شد، عامل قدرت را می‌توان یکی از اصلی‌ترین فاکتورهای تأثیرگذار بر ساختار شهر اصفهان در آن دوران دانست. اگرچه نقش تغییر مذهب را بر معماری و شهرسازی این دوران نمی‌توان انکار کرد، با توجه به درهم‌تنیدگی اهداف سیاسی و مذهبی صفویان و با توجه به سیاسی‌بودن نقش مذهب در این دولت می‌توان این عامل را نیز زیرمجموعه اهداف قدرت بررسی کرد. در نهایت، شیوه‌های مداخله قدرت حاکمیت در شکل‌دهی به ساختار این شهر را می‌توان در جدول ۱ خلاصه کرد.

جدول ۱. شیوه‌های مداخله سیاسی شاه‌عباس در توسعه شهر اصفهان در عهد صفوی

| ردیف | شیوه مداخله قدرت حاکمیت                     | اهداف سیاسی  |
|------|---|--|
| ۱    | مداخله به شکل تولید انبوه ساختارهای فیزیکی  | ۱. تغییر چهره شهر همگام با تغییر حکومت؛<br>۲. ارائه تصویری از آبادانی، شکوه، و امنیت اجتماعی.  |
| ۲    | مداخله به شکل تأثیر مستقیم بر طراحی شکل شهر | ۱. هماهنگی با تفکرات ایدئولوژیک (ارائه تصویری از بهشت)؛<br>۲. تبعیت از الگوی پایتخت‌های تیموریان؛<br>۳. اشاره به پایتخت کوروش کبیر و تداوم فره پادشاهی؛<br>۴. اشاره به مضامین سمبلیک تقسیم عالم به چهار بخش. |
| ۳    | مداخله از طریق نظارت و سرپرستی              | ۱. حصول اطمینان از اجرای ایده‌ها؛<br>۲. هدایت جریان پروژه‌های عام‌المنفعه مردمی.   |
| ۴    | مداخله از طریق توسعه فضاهای جمعی            | ۱. استفاده از حضور جمعی و مشروعیت‌بخش مردم؛<br>۲. تقویت اتحاد ملی در خلال برگزاری آیین‌ها.   |
| ۵    | مداخله به شکل احداث تأسیسات عام‌المنفعه     | ۱. فراهم آوردن زمینه ستایش، تمجید، جاودانگی، و در نتیجه احیای اقتدار کاریزماتیک پادشاهان صفوی.   |



## پی‌نوشت‌ها

۱. از تقاطع خیابان چهارباغ و رودخانه زاینده‌رود طرحی چهاربخشی و به تعبیر والچر چهارباغ‌گونه شکل گرفته است.
۲. در ۱۰۰۰ ق.
۳. ۱۸۵۰-۱۸۷۰ م و ۱۲۲۸-۱۲۴۸ ش.
۴. جمال‌الدین اصفهانی در توصیف این شهر می‌گوید:  
دیدنی تو اصفهان راه، آن شهر خلدیپیکر      آن سدیه مقدس، آن عدن روح‌پرور  
آن بارگاه ملت و آن تخت‌گاه دولت      آن روی هفت عالم آن چشم هفت کشور
۵. جنابادی می‌نویسد: «دارالسلطنه اصفهان از فرّ ذات قدسی سپهر چهارم، باغ ارم گردید» (۱۳۷۸: ۷۵۹).
۶. قرن چهاردهم میلادی و هشتم قمری.
۷. قرن شانزدهم میلادی و دهم قمری.
۸. اگرچه مطالعاتی وجود دارد که طرح چهاربخشی مجموعه پاسارگاد را زیرسؤال می‌برد (حیدرنتاج و منصورى ۱۳۸۸: ۲۲-۲۵)، در این جا بیش‌تر تأکید بر انتخاب طرح باغ برای قلمرو حکومتی و پرداختن به پدیده باغ‌سازی از سوی شخص شاه است و چهارقسمتی بودن طرح صرفاً مدنظر قرار نگرفته است.
۹. چلیپا یعنی صلیبی که اضلاع آن مساوی است.
۱۰. با این عمل، میدان جدید از لحاظ مالی برای مستأجران آتی جذابیت پیدا کرده است. از دیدگاه قدیمی‌ترها یا اهل بازار، اجاره‌کردن محلی از متولی وقف و نه از یک مالک خصوصی، مزایای بالقوه‌ای به هم‌راه داشت. یکی از این مزایا، مسئله تثبیت مالکیت اموال بود و دیگر این‌که معمولاً انتظارات و مطالبات برای بازگشت سریع و زیاد سرمایه به‌کارگرفته‌شده کاهش می‌یافت.
۱۱. قرن سیزدهم تا شانزدهم میلادی یا قرن هفتم تا دهم قمری.

## کتاب‌نامه

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، *مقدمه ابن‌خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۹۴)، *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی: از آرمان تا واقعیت*، تهران: آرمانشهر.
- ترکمان، اسکندریبیک (۱۳۷۸)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به‌اهتمام ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

- جمال‌الدین اصفهانی (۱۳۹۱)، دیوان، تصحیح سیدحسن وحید دستگردی، ویراسته وحید سمنانی، تهران: سنایی.
- جنابادی، میرزا بیگ بن الحسن الحسینی (۱۳۷۸)، *روضه الصفویه*، به کوشش غلام‌رضا طباطبایی مجد، تهران: دانشگاه تهران.
- جونلا، جولیا و ویکتوریا مینک برگ (۱۳۸۸)، *معماری اسلامی*، ترجمه اکرم قیطاسی، تهران: سوره مهر.
- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۷)، *از شار تا شهر*، تهران: دانشگاه تهران.
- حبیبی، سیدمحسن و زهرا اهری (۱۳۹۱)، *مکتب اصفهان: زبان طراحی شهری در شهرهای کهن*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- دلاواله، پیتر و (۱۳۷۰)، *سفرنامه*، ترجمه شجاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- رازی، حسین (۱۳۷۴)، «مشروعیت، دین، و ناسیونالیسم در خاورمیانه»، ترجمه حسین حجاریان، فرهنگ توسعه، س ۴، ش ۱۸.
- شاردن، ژان (۱۳۷۵)، *سفرنامه*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
- فیگوئرا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳)، *سفرنامه فیگوئرا، سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس اول*، ترجمه غلام‌رضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- قائم، گیسو (۱۳۸۸)، «پیام چلیبا بر سفالینه‌های ایران»، *صفه*، دوره نوزدهم، ش ۴۹.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، *سفرنامه*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- مکچسنی، رابرت د. (۱۳۸۶)، «وقف و سیاست ملی در دوره صفویه»، ترجمه گیتی عمادزاده، وقف میراث جاویدان، ش ۵۷.
- منجم یزدی، ملاجلال‌الدین محمد (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی: روزنامه ملاجلال*، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.
- موریس، جیمز (۱۳۸۹)، *تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی*، ترجمه راضیه رضازاده، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.

Ackerman, Phyllis (1977), "Some Problems of Early Iconography", in: *A Survey of Persian Art From Prehistoric Times to the Present*, vol. 2, Tehran: Soroush.

Apter, D. E. (2006), "Politics as Theatre: An Alternative View of the Rationalities of Power", in: *Social Performanse: Symbolic Action Cultural Pragmatics and Ritual*, J. Alexander et al. (eds.), Cambridge: Cambridge University Press.

Allan, Terry (1983), *Timurid Herat*, Wiesbaden: Ludwig Reichert Verlag.

Asher, Katherin (1991), "Babur and the Timurid Chahar Bagh, Use and Meaning", *Environmental Design, Mughal Architecture, Pomp and Ceremonies*, 9th Year, no. 11.

Behrens-Abouseif, Doris (2007), *Cairo of the Mamluks: A History of Architecture and Its Culture*, London: Tauris.

- Clifford, J. (1988), *The Predicament of Culture: Twentieth Century Ethnography, Literature and Art*, Cambridge: Harvard University Press.
- Celik, Z. (1986), *The Remaking of Istanbul: Portrait of an Ottoman City in the Nineteenth Century*, Seattle: University of Washington Press.
- Dovey, Kim (2002), *Framing Places, Mediating Power in Built Form*, London and New York: Routledge.
- Duncan, J. S. (1989), "The Power of Place in Kandy, Sri Lanka: 1790-1980", in: *The Power of Place: Bringing Together Geographical and Sociological Imaginations*, J. A. Agnew and J. S. Duncan (eds.), Boston: Unwin Hyman.
- Featherstone, M. (1993), "Global and Local Cultures", in: *Mapping The Futures: Local Cultures, Global Changes*, by J. Bird et al. (ed.), London and New York: Routledge.
- Gakenheimer, R. (1964), *Determinants of Physical Structure in the Peruvian Town of the Sixteenth Century*, Unpublished Ph.D. Dissertation, Pennsylvania: University of Pennsylvania.
- Giddens, A. (1979), *Central Problems in Social Theory: Action, Structure and Contradictions in Social Analysis*, Berkeley: University of California Press.
- Haghighatbin, M. et al. (2012), "Innovations in the Charbagh Axis of the Safavid Period", *International Journal of Architectural Engineering and Urban Planning*, vol. 22, no. 2.
- Hobsbawm, F. (1983), "Inventing Traditions", in *The Invention of Tradition*, by F. Hobsbawm and T. Ranger (ed.), Cambridge: Cambridge University Press.
- Jakson, P. and J. Penrose (1993), "Introduction: Placing Race and Nation", in *Construction of Race, Place and Nation*, by P. Jakson and J. Penrose (ed.), London, UCL Press.
- Katuzian, Shahab (1986), "The Sense of Palace in Persian Gardens", in *Environmental Design*, no. 4, Rome.
- Kertzer, David I. (1988), *Ritual, Politics and Power*, New Haven: Yale University Press.
- King, A. D. (1976), *Colonial Urban Development: Culture, Social Power and Environment*, London: Routledge and Kegan Paul.
- Penrose, J. (1993), "Introduction: Reification in the Name of Change: The Impact of Nationalism on Social Constructions of Nation", in: *Construction of Race, Place and Nation*, by P. Jakson and J. Penrose (ed.), London: UCL Press.
- Shirazi, Bagher (1974), "Isfahan, the Old: Isfahan the New", *Iranian Studies*, vol. 7, Part II, no. 3-4.
- Vale, L. J. (1992), *Architecture, Power and National Identity*, New Haven: Yale University Press.
- Walcher, Heidi A. (1998), "Between Paradise and Political Capital: The Semiotics of Safavid Isfahan", *Middle Eastern Natural Environment, Lessons and Legacies*, Bulletin 103.
- Wilber, Donald N. (1979), "The Timurid Court: Live in Gardens and Tents", in *Iran*, vol. XVII.